

نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه‌ها

محل برگزاری: سالن اجتماعات مهندسين مشاور هرم پی

زمان: پنجشنبه ۱۹ دی سال ۱۳۹۸

عنوان: دگردیسی فرم در معماری و خوشنویسی

سخنرانان: علیرضا مددی و هوشنگ مهر اردلان

چکیده‌ای از سخنرانی‌ها:

در ابتدای این نشست آقای مهندس ارفعی به معرفی دوستان پرداختند: آقای مهندس اردلان نیاز به معرفی ندارند چون کسی نیست که با چهره ایشان، فعالیت و سابقه ایشان آشنا نباشد. بلکه آقای مهندس اردلان با جمعی که ما در کنارشان هستیم، می‌شود گفت ما رفیق حجره و گرمابه و میخانه‌ایم. در صحنه‌های مختلف زندگی و حرفه‌ای در خدمت ایشان بودیم و با آن انرژی زیادی که داشتند کمک کردند و مسیرهای زیبا و شایسته‌ای را برای ما روشن کردند. اطمینان دارم امروز هم همین کار را خواهند کرد، اگرچه فعالیت‌شان را خودشان طور دیگری نام‌گذاری کردند که ترجیح می‌دهم ایشان خودشان توضیح بدهند.

آقای مهندس مددی را عرض کنم الان حساب کردم که حدود ۴۰ سال است که دوستی ما با ایشان ادامه دارد و چه ۴۰ سال ارزشمندی بوده است. ما خوشحال هستیم از اینکه شما را در اینجا ملاقات می‌کنیم. مهندس مددی آرشیو آرشمندی هستند، سال‌ها به تدریس معماری اشتغال داشتند و در کنار آن حرفه، آثار ارزشمندی را ساختند که در همدان است و می‌توانیم براساس آثار ایشان تور همدان‌گردی بگذاریم. در زمینه‌های دیگری هم فعالیت هنری داشته و دارند. شاید ایشان را در جامعه به عنوان استاد خوش‌نویسی بشناسند. در نستعلیق از شاگردان استاد حسین بودند و بعد شاگرد استاد خورش بودند و تا امروز این شاگردی را به نحوی ادامه دادند و خط بسیار پخته و ارزشمندی دارند و به هر ترتیب خوشحال هستیم در خدمت این دوستان هستیم البته ایشان دستشان در کרוکی زدن هم بسیار توانا و شیرین است.

امروز در خدمت میهمان دیگری هم هستیم؛ جناب آقای مهندس دیشیدی، که لطف کردند در این جلسه ما را همراهی کردند. ایشان با توجه به سابقه‌ای که دارند، حدود ۵۶ سال در دانشکده فنی تهران دانشگاه تهران فعالیت می‌کردند. ایشان در رشته ارشد راه و ساختمان آن دوره بودند و از همان دوره در کار ساخت و ساز آن هم در حوزه معماری ملی، ایرانی، سنتی و اسلامی که امروز شناخته شده است فعالیت داشتند. شاید به جرأت بشود گفت که از لحاظ تبحر در الگوی معماری ملی، کسی به کیفیت ایشان نبوده است و سرآمد افرادی هستند که ما می‌بینیم و می‌شناسیم. در حالی که چهره رسانه‌ای نیستند.

سخنران اول: مهندس اردلان

جناب آقای مهندس ارفعی از ۴۰ سال دوستی صحبت کردند و در این چهل سال اصلاً به یاد ندارم که این‌طور من را به دام انداخته باشند. قرار نبود که تصویر حقیر را در پوستر بگذارید!! قرار بود شما و جناب مهندس مددی به عنوان معماران خلف و مؤلف از دیدگاه من، بیابید و مضمونی را سازمان بدهید... و من یک واژه بکار بردم؛ گفتم با کمال افتخار شوق دیدار همه شما با من بود. من می‌آیم با افتخار آینه‌داری می‌کنم. صفت‌های اداری، یک صفت سازمان یافته و قدیمی است، در دربار شاهان بوده یک شغل بسیار معتبری بوده است. معمولاً شاهزادگان و به هر حال بزرگان وقتی با لباس و طمطراق آن هیبت را پیدا می‌کردند، خیاط‌هایی داشتند که می‌آمدند طراحی می‌کردند. همان فشن امروزی ولی به صورت خیلی کامل‌تر، لباس که آماده می‌شد، پرنس یا پرنسس را می‌آوردند در یک اتاق و قشنگ مشاطی می‌کردند و آرایش می‌کردند و لباس را می‌پوشید. ولی هنوز چیزی نمی‌دید و بعد اشخاصی به نام آینه‌دار یا آینه‌های بزرگ می‌آمدند و می‌گذاشتند و ایشان خودش را می‌دید. حظ می‌کرد و انعامی هم می‌داد.

قرار بود من امروز آینه بیاورم...

بعد هم اسم خیلی وسوسه برانگیز و گیج کننده دگرذیسی می دانید یعنی چه؟ یعنی اگر ما بخواهیم این رو باز کنیم، نمی دانم به کجاها می رسیم. این هم در معماری که برای خودش داستانی دارد و خط هم که خودش یک حکایتی است. حالا چطور می شود این دو تا رو به هم وصل کرد و ازش استفاده کرد و استخراج گرفت؟ الله اعلم... نمی دانم... من فقط با دل گشاده و شوق دیدار دوستان به خصوص استاد ارجمند من جناب مهندس دیشیدی که فکر نمی کردم اینجا باشند، آمده ام...

به نظر من در هر جایی که باشیم می توانیم برای خودمان مقام بسازیم. برای من بانوان بسیار ارجحیت دارند، ذات خلقت خداوندی هم زاینده است. حالا یک معمار وقتی می خواهد معماری کند، شاید باید این تراوشات در قلمش باشد: هستی بخشیدن، زندگی بخشیدن... همه اینهایی را که شاید در دانشکده یاد نمی گیریم، ولی در تجربه ها به دست می آوریم، بیاورد. دگرذیسی که موضوع جلسه ما است. از معماری چه بگوییم؟ همه اش سرازیر رفتن... در حالی که حدود ۹۰۰ دانشگاه معماری ایجاد شده، سطح آموزشی ما بسیار پایین است. بنابراین اگر دگرذیسی ای هست، یک دگرذیسی به طرف کاستی است متأسفانه. حالا چطور می شود قد برافراشت؟ به نظر من از نظر اخلاق معنوی و حرفه ای است که می شود به دانشجو شخصیت داد. که از جمله آن موارد می شود به خط اشاره کرد. حالا چه خط را ترسیم کنیم و چه بنویسیم. وصل است به ادبیات و شعر ما... و این دو وصل است به فضای معماری ما... و عملاً ویژگی معماری ما، تجربه ۴۵ سال جان کندن خودم است تا چیزهایی که نباید یاد می گرفتم را دور ریختم و چیزی که دریافت کردم در ذات ایران هنرها و ادبیات بسیار کم است. معماری هم یک طوری دیگر... موسیقی و خط هم همگی از یک جنس است و یک معمار و خوش نویس هر دو از یک جنس هستند. همه رسیدن به یک تناسب و یک زیبایی و آراستگی که نتوانند آن را تغییر دهند، در نظر دارند. آن خیابان در طراحی کی خانه است؟ یک خانه موفق خانه ای است که پیر نشود. همیشه جوان باشد، همیشه میهمان پذیر باشد، همیشه در آن خانه ذات زندگی باشد، دوران و زمان نتوانند آن را از مصرف خارج کنند. چطور اتفاق می افتد وقتی نسبت ها سر جای شان باشد، من از استاد من جناب آقای عیله زاده یک واژه ارجمند یاد گرفتم و در ذهن من است که می گویند خانه باید بوی مادر بدهد و محله بوی پدر.

"ممنون از شما، فعلاً عرضی ندارم"

سخنران دوم: مهندس مددی

از دکتر محمودی و همه کسانی که این فرصت را فراهم کردند، کمال تشکر را دارم. حقیقتاً این موضوع که آقای مهندس ارفعی به من واگذار کردند و در واقع به نوعی به من تحمیل شد، برای من به نوعی عجیب بود و اینکه واقعاً آیا بین این دوتا اصلاً رابطه ای هست یا نیست؟ فرصتی بود که راجع به این قضیه فکر کنم. چون عموماً خوش نویسان به دلیل اینکه افرادی هستند که همیشه در سکوت کار کردند و خارج از جمع های اجتماعی هستند و حاصل کارشان بیرون آمده، نتیجتاً خوش نویسی هم یک هنر بسیار دیربایی است. حالا اگر اسم آن را هنر بگذاریم یا صنعت یا فن...

بنابراین اینها عموماً افرادی هستند که سعی می کنند کارشان را جلو ببرند و از حواشی خوش نویسی همیشه به دور هستند. خیلی کم پیش آمده که در طی این سال ها در انجمن خوش نویسان جلسه تئوریک گذاشته شود، در ارتباط با خوش نویسی. به هر حال این هم برای من یک فرصتی بود که راجع به این قضیه فکر کنم. حالا باید بگویم که با معرفی که مهندس ارفعی کردند، به یاد مطلبی از سعدی افتادم:

همی ستودند و در اوصاف جمیلش مبالغه نمودند

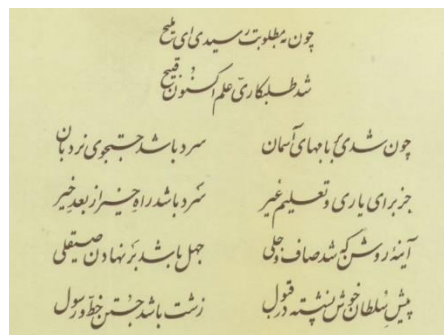
طاووس را نقش و نگاری که هست

یکی را از بزرگان اندر محفلی

سر بر آورد و گفت من آنم که من دانم

خلق تحسین کنند و او خجل از پای زشت خویش

حالا آقای مهندس ارفعی به سابقه ۴۰ ساله لطف دارند و یک معرفی از بنده داشتند. ولی حکایت همان است، من به عیب کار خودم خیلی خیلی بیشتر از آن چیزی که به نظر می رسد و نمود بیرونی دارد، واقفم و لطف ایشان بود. به هر حال در ارتباط با این قضیه خوش نویسی و معماری، تمرکز در اینجا بیشتر روی خوش نویسی بوده است. در این پاورپوینت البته یک گریزهایی هم به معماری زدیم ولی به خاطر اینکه من فکر کردم که دوستان هم معمار هستند و این تطابق بین خوش نویسی و معماری در ذهن آنها داده می شود و اینکه سعی کردم که این ارتباط فرمی را در خوش نویسی ببینم و در معماری هم سعی کردم که مصادیقش را در این فرصت ارائه بکنم.



عکس بالا یک کتابت از استاد امیرخانی است: شعر مولانا و من بیت آخر رو می‌خوانم:

پیش سلطان خوش نشسته در قبول

زشت باشد جستجوی خط و رسول

منظورم این بود که من اینطور استنباط می‌کنم و می‌خواهم از قبل هم این‌را بگویم که بسیاری از این چیزهایی که حالا چه در معماری چه در خوش‌نویسی پیش می‌آید، واقعاً گفتنی نیست بلکه باید آدم انجام دهد و وقتی که انجام داد و رسید دیگر می‌گوید که:

چو شدی بر بام‌های آسمان

سرد باشد جستجوی نردبان

جز برای یاری و تعلیم غیر

سرد باشد راه خیر از بعد خیر

بنابراین چیزهایی هست که ممکن است ناقص و نارسا بگویم و زبانم الکن باشد. ولی امید دارم که بایی باشد برای اینکه دیگران کاری انجام دهند و گفتگوی بشود. بیشتر هدف گفتگو بوده و نه جنبه سخنرانی... باید از نستعلیق شروع کنیم که از ترکیب دو خط نسخ و تعلیق به وجود آمده است. خط نسخ، خطی هست که اصطلاحاً سطح در آن زیاد است و دور در آن کم است. دوایر در آن کمتر وجود دارد و خطی است که بر سطح بیشتر نوشته می‌شود و بر سطح بیشتر تکیه دارد؛ به این جهت خط بسیار کاملی است. نسخ و ثلث برای کتبه و به همین جهت هم در معماری ما خیلی استفاده شده است. "بسم الله الرحمن الرحيم" را می‌توانید با یک اندازه قلم در ۳۰ سانتیمتر بنویسید و می‌توانید با همان اندازه قلم در ۶۰ سانتیمتر بنویسید، حتی می‌توانید در یک متر بنویسید. ولی در نستعلیق نمی‌شود این کار را کرد. بنابراین نسخ این قابلیت را دارد که در یک مستطیل یا یک کادر جا بگیرد. ولی در نستعلیق این‌گونه نیست و برعکس در تعلیق، کاملاً مشخص است که تمام کلمات آن بر دوره و بر منحنی است و سطح در آن خیلی خیلی کم است. نستعلیق از قرن چهارم شروع می‌شود البته زمینه‌هایی در قرون قبل وجود داشته که بعداً به آن اشاره می‌کنیم.

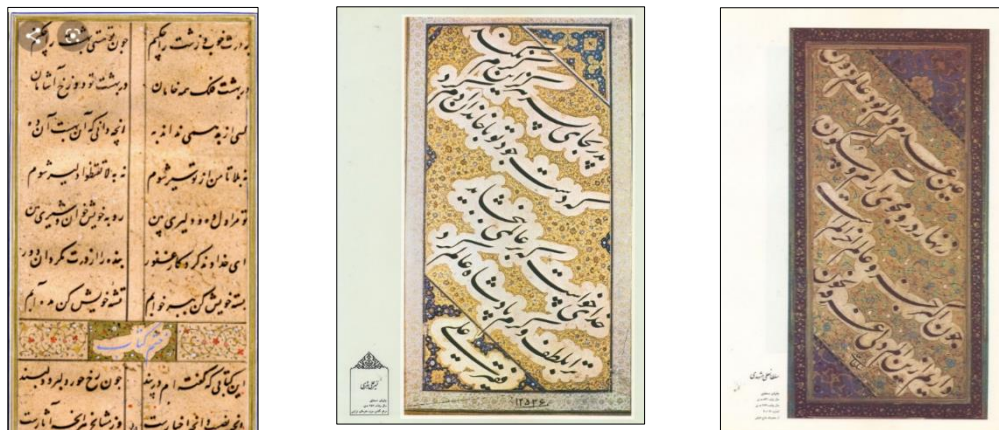


از ترکیب خط نسخ و خط تعلیق (تعادل بین سطح و دور)، خط نسخ (سطح به عنوان مؤلفه بنیانی) خط تعلیق (انحناء به عنوان مؤلفه بنیانی)، مراحل ابتدائی از قرن چهارم

از ترکیب اینها خط نستعلیق به وجود می‌آید.

خط نسخ (سطح به عنوان مؤلفه بنیانی)
خط تعلیق (انحناء به عنوان مؤلفه بنیانی)

در ابتدا "نسخ تعلیق" بوده که از قرن هشتم توسط میرعلی تبریزی تکامل پیدا کرده است و به نوعی قواعدی برای آن تعیین شده است. استادان تراز اول آن به ترتیب: مشهدی، هروی، اصفهانی، نیشابوری؛ از استادان خوش نویس های قرون اولیه یعنی از قرن هشتم به بعد بودند. هر کدام در یک بخش بی نظیر بودند، به عنوان مثال بابا شاه در کتابت بی نظیر است.

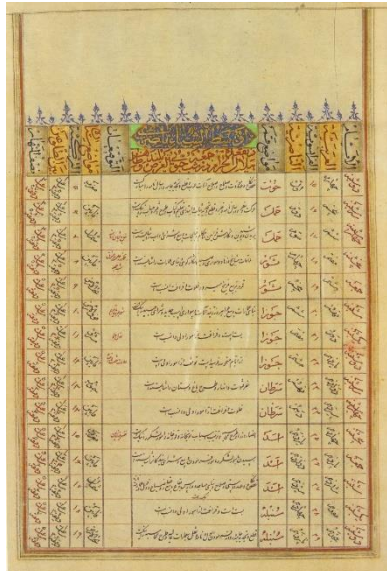


میرعلی تبریزی تکامل دهنده خط بوده ، یعنی تکامل هندسی توسط میرعلی تبریزی بوده است - میرعماد حسنی تا به امروز یکی از بزرگترین خوش نویسان هستند که در نستعلیق ظهور کردند. حتی آوازه او در دوره صفویه در زمان شاه عباس به خارج از کشور هم رفته است. البته مذهبشان سنی بوده و به علت مذهب او از دربار دور بوده است (داستان میرعماد حسنی و شاه عباس). میرعماد حسنی (خوشنویس نابغه) در قرن دهم متولد شد، ساختار کلمات توسط وی پالایش پیدا کرد. آوازه وی رسیدن به خارج از مرزهای ایران پهناور در دوره صفویه رسید و در پایان وی با دستور شاه عباس ترور می شود.



میرعماد در دوره صفویه یکی از قله های نستعلیق بوده است. در دوره قاجار در زمان ناصرالدین شاه، میرزا محمد رضا کلهر در ایل کلهر کرمانشاه به دنیا آمد. او با دربار خیلی ارتباطی نداشت، به جز دو سفری که ناصرالدین شاه به مشهد و کربلا داشته همراه او می شود. ولی هیچ تعلیمی به شاهزادگان دربار نداده است.

عباس اقبال در مجله یادگار می گوید: میرزای کلهر مردی بود، بسیار پاکدامن و همدوست و پاکیزه سیرت و مهماندوست و بی اعتنا به دنیا و تعینات آن. به هنر خود عشقی خاص داشت و پیوسته کار می کرد و قطعاتی را که می نوشت، اگر توهم می کرد که حرفی یا کلمه ای از آن درست از آب در نیامده به هیچ قیمت به دست هیچ کس نمی داد و آنها را پاره یا سیاه می کرد و با آنکه بسیار تنگدست بود و در سایه قناعت می زیست، هرچه داشت با دیگران می خورد.



ورود چاپ سنگی به ایران، مرکب خاص چاپ سنگی و توجه به انتشار خط در سطح جامعه: در دوره کلهر چاپ سنگی به ایران وارد می‌شود. مرکب خاص چاپ سنگی شبیه شهاد مربا بوده... در واقع بسیار غلیظ بوده... کلهر با این مرکب می‌نوشته. با یک قلم یک میلیمتری روی کاغذ می‌نوشتند، سپس کاغذ را روی سنگ می‌گذاشتند، سپس چیزی شبیه اسید روی آن می‌ریختند و تمام بخش‌های کاغذ از بین می‌رفته و آن مرکب منتقل می‌شد روی سنگ. ۵۰۰ صفحه از این سنگ استفاده کرده و سپس سنگ هم از بین می‌رفته. به همین دلیل از تمام کتابت‌هایی که کلهر کرده ما حتی یک صفحه را هم نداریم. چون در چاپ سنگی از بین رفته‌اند.

سفرنامه ناصرالدین شاه به خراسان: اوج کتابت کلهر

هیچ چیزی از آن باقی نمانده، الا چاپ افست که از روی چاپ سنگی شده است. در آن عصر فقط کلهر از این مرکب استفاده می‌کرده و هم عصران او اینکار را نکردند و ترجیح دادن با مرکب سنتی بنویسند. (تا قبل از کلهر، خط و خوش‌نویسی فقط مخصوص درباریان و قشر مرفه جامعه بوده، ولی از دوره کلهر به بعد این اتفاق نیفتاد. به طور کلی دو مکتب در خوش‌نویسی داریم:

۱- مکتب میر از ابتدای نستعلیق یا قاجار (البته همچنان این مکتب در حال انجام است و یکسری خوش‌نویسان اخیر مجدداً بازگشتند به مکتب میر)

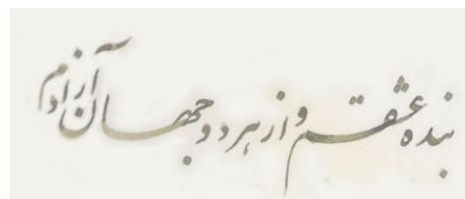
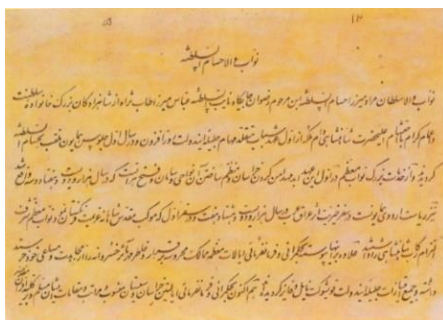
در این مکتب ما توجه خاصی داریم به قرینه‌های فرمی در مکتب چلیپا... یعنی اگر ما در انتهای این چلیپا نگاه کنیم، این فرم‌های مورب تحت عنوان چلیپا در خوش‌نویسی گذاشته می‌شود. این فرم‌های مورب و چیزی که مرسوم است و من شنیدم این است که به قول استاد خورش، بهترین فرمی است که یک کاغذ می‌تواند پر باشد. یعنی وقتی شما مورب می‌نویسید دو بیت در یک کاغذ بنویسید؛ اگر زیر هم بنویسید یک بخش‌هایی از کاغذ خالی است و بخش‌هایی سفید است.

مکتب قدما (مکتب میر): از ابتدای پیدایش نستعلیق تا دوره قاجار

- الف: توجه عمیق به قرینه‌های فرمی در قطعات چلیپا،
- ب: اختلاف و تمایز آشکار بین ضعف‌ها و قوت‌ها،
- ج: موزهای نوشتن،
- د: همراهی خط با آرایه‌هایی پیکار (تذهیب و قطعه‌سازی)،
- ه: فدا کردن خوانایی در مقابل فرم
- و: انتخاب شعرهای خاص و خوش ترکیب



مکتب معاصر (مکتب کلهر): از اواسط قاجار تا کنون



آزاد شدن از قیود قرینه‌ها در قطعات خوشنویسی، هماهنگی ضعف‌ها و قوت‌ها، هندسه جدید (کرسی بندی‌های جدید و خاص)، کاربردی کردن خط از طریق کتابت، رها شدن خط از آرایه‌ها، تغییر در اندازه کلمات و نقطه‌ها...

چلیپا یعنی فرمی از نوشتن که باعث می‌شود کل کاغذ پُر شود و هیچ بخشی سفید نباشد؛ یعنی به صورت مورب. از مهم‌ترین ویژگی‌های این فرم عبارتست از: توجه به قرینه بودن فرم قطعه (یعنی قطعه‌ای را انتخاب می‌کردند که بتوان آن را مورب و قرینه بنویسند)، اختلاف و تمایز، همراهی خط با آرایه، فداکردن خوانایی در قبال فرم برای مثال: **گفتم دلا چه نالی بر خویشتن چه پیچی** و انتخاب شعرهای خاص.

چلیپرها مربوط به اسناد فروش هستند. سطر بلند نداریم و خوش ترکیب نیز هستند. از قیود قرینه‌ها آزاد شدند. هماهنگی بین ضعف‌ها و قوت‌ها وجود دارد، یعنی در خوش‌نویسی ضخامت‌ها به تعادل رسیدند. کرسی‌بندی، کاربردی کردن خط در کتابت (یعنی به جز شعر)، رهاشدن خط از آرایه‌ها، تغییر در اندازه کلمات و نقطه‌ها از جمله سایر مشخصه‌های این فرم است.

مشخصه‌های معماری یونان تا دوران نئوکلاسیک نیز به سه دسته تقسیم می‌شود: وجود تقارن و تزئینات وسیع، توجه افراط گونه به نما و نظم بیرونی (اختلال خوانائی فضاها).

نتیجه: ما در معماری یک کلیت داریم؛ از معماری یونان تا آخر نئوکلاسیک. همه اینها تغییراتی کرده است، ولی یک سنتی، یک چیزی، در همه اینها ایجاد شده (وجود تقارن، تزئینات وسیع، توجه به نما و نظم بیرونی)؛ تا می‌رسیم به معماری مدرن.

مؤلفه‌های معماری مدرن را می‌توان به صورت عدم استفاده از فرم‌های قرینه، کنار گذاشتن تزئین و توجه به زیبایی کالبدی، توجه به عملکرد فیزیکی (فرم تابع عملکرد) و خوانایی عملکردها (فیزیکی و روانی) مشخص نمود.



...که یکباره یک تغییر اساسی رخ می‌دهد: ما می‌بینیم که مکتب کلهر مثل همگان یعنی مثل مکتب میر تا قرن ۲۰ معماری آنچنان تغییری نداشته ولی در معماری مدرن شاهد تغییرات اساسی هستیم. در معماری کلاسیک نمی‌توانید از بیرون داخل را حدس بزنید ولی در مدرن اینکار می‌شود.

از جمله ویژگی‌های معماری مدرن: عدم استفاده از فرم‌های قرینه، کنار گذاشتن تزئین و توجه به زیبایی کالبدی، توجه به عملکرد فیزیکی (فرم تابع عملکرد) و خوانایی عملکردها (فیزیکی و روانی).



طبیعتاً به لحاظ فرمی مشابهتی بین خط و معماری نیست، ولی در هر دو اتفاقاتی افتاده که در آن مشابهت دارند. همانطور که کلهر می‌گوید خط به تنهایی باید آنقدر جاذبه داشته باشد که نیازی به تذهیب نداشته باشد. یک مدرنیست هم می‌گوید ما زیبایی کالبدی می‌خواهیم، لذا می‌گوید این نما یا فضای داخلی آنقدر باید خودش به تنهایی زیبا باشد که دیگر نیازی به آرایه نداشته باشد. حالا این آرایه در خط تذهیب است در معماری ممکن است گچ‌بری باشد یا کارهایی که روی چوب و فلز می‌شود اینها مشابه هم هستند.

مقایسه خوش‌نویسی و معماری - تشابهات

خوش‌نویسی	معماری
برای استفاده شاهان و اقشار خاص	ساختن برای ثروتمندان
برای استفاده عموم	عمومی سازی
صاف نویسی به عنوان آرایه	پرداخت و فرآوری مصالح
طبیعی نویسی	استفاده طبیعی از مصالح (بروتالیسم)
تذهیب به عنوان آرایه	استفاده از ابزارهای سنگی و گچی و مشابه
جستجوی فرم های جدید در کلمات و اتصالات	تغییر معیارهای انتخاب حجم و ترکیب بندی
تقطیع نویسی (متعادل شدن دورها)	کمپوزیسیون های نقاشی و معماری مدرن
ترکیب بندی	ترکیب بندی
تلاش انفرادی کلهر در زمینه خوشنویسی	تلاش گروهی نقاشان و معماران (گروه دستیل)



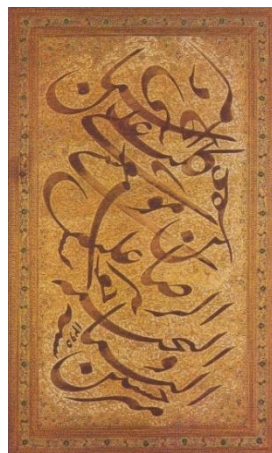
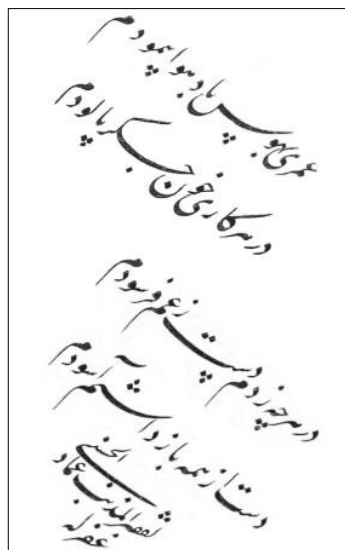
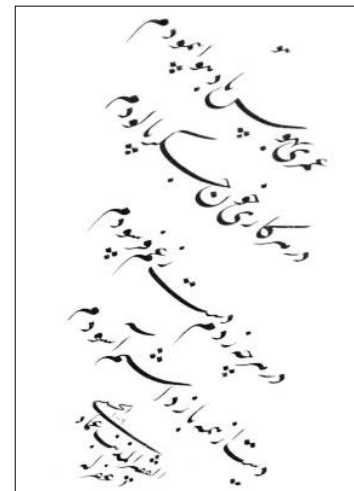
کلهر آنقدر یک کلمه را می‌نوشته تا از یکی خوشش بیاید و از روی همان آنقدر

می‌نوشته تا عین همان فرم بنویسد. صاف‌نویسی، خیلی صاف و مرتب نوشته شده

و یک جاهایی مرکب کم‌رنگ شده که این تأکید حرف را نشان می‌دهد. در معماری هم این صاف‌نویسی هست؛ در رنسانس و یونان این معماری را می‌بینیم که رایت هم گفته که یونانیان حرمت سنگ را شکستند و پرده‌داری کردند. آنقدر این سنگ را تراش دادند و صاف کردند که دیگر چیزی از طبیعت سنگ نمانده و خیلی شبیه است به نستعلیق.

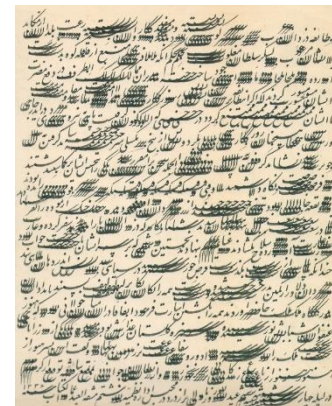
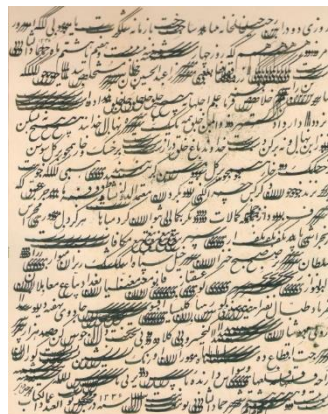
خط عماد الکتاب در دوره مظفرالدین شاه، استفاده مستقیم نداشته است، بلکه از روی کارهای کلهر مشق می‌کند. این یک سیاه مشق است که شرح حال خودش است. خیلی طبیعی است شوت رنگ و یا لرزش است... خیلی طبیعی است. مثل معماری که طبیعی است یعنی آجر همان آجر است، تراشیده شده یا به آن فرم نداده. چلیپه سمت راست دقیقاً همان سمت چپی است، فقط بدون تذهیب. تذهیب اشکالات موجود در آن قطعه را رفع می‌کرده است.

در دوره مدرن، این تذهیب مشابه استفاده از نرده‌های راه‌پله است، که اگر در دوره مدرن ببینیم خود آنها به تنهایی زیبا هستند؛ ولی در دوره کلاسیک در خود پایه‌ها از چنین مدل و ظرافت و تنوع‌هایی استفاده شده است.

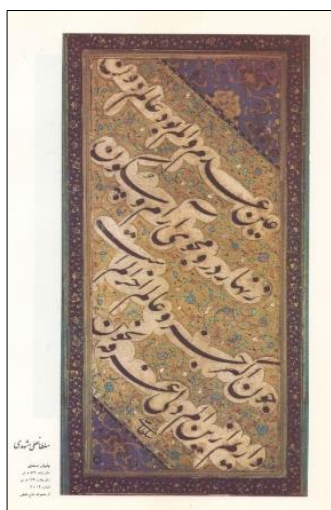


خوشنویسی	معماری
جستجوی فرم‌های جدید در کلمات و اتصالات	تغییر معیارهای انتخاب حجم و ترکیب‌بندی

هر دو سیاه‌مشق‌ها، کار کلهر است. قسمت بالایی نوشته‌ها که کاملاً سیاه هستند؛ در واقع آنقدر روی هم می‌نویسد که قلم او صدی خرت خرت می‌داد و برای همین کلهر می‌گفته مشق خرت خرت. آنقدر روی هم نوشته تا بتواند یک فرمی را پیدا کند و تکرار بکند. تغییر فرم در خط مثل تغییر فرم در معماری است که از فرم‌های مختلف استفاده می‌کنند که اثری از معماری قبلی در آن نیست.

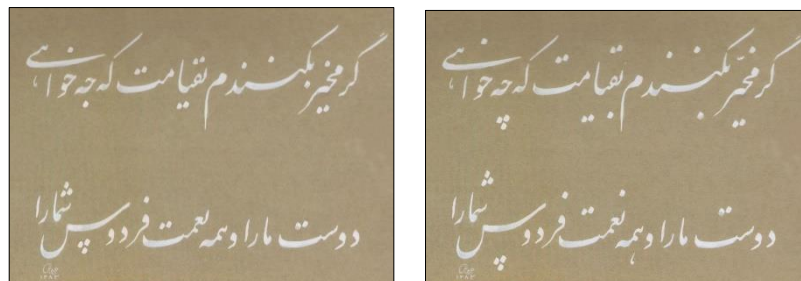


هر دو تصویر فوق سیاه‌مشق هستند؛ یکی از آنها کار میرحسین ترک است و دیگری کار کلهر. هر دو متعلق به دوره قاجار است و هر دو معاصر هم هستند. ولی میرحسین سیاه‌مشق را برای روی دیوار، به قصد فروش نوشته است؛ یعنی یک سیاه‌مشق کامل... یعنی خود سیاه‌مشق هدف بوده است. ولی برای کلهر سیاه‌مشق یک وسیله بوده که به یک فرم زیبا از کلمات برسد. بنابراین برای او مهم نبوده که سیاه‌مشق خراب بشود یا نه.

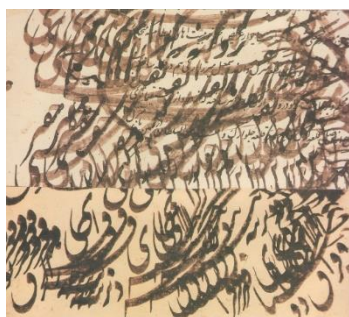


خوشنویسی	معماری
تقطیع نویسی (متعادل شدن دورها در مکتب کلهر)	کمپوزیسیون های نقاشی و معماری مدرن

تقطیع نویسی مقایسه دو کار استاد میر و استاد فروش که در اسلاید کاملاً مشخص است.



زیبایی‌شناسی قرار دادن فرم نقطه، در مکتب کلهر با مکتب میر کاملاً متفاوت است. من در دو عکس وسط مشخص کردم که چقدر فضا زیاد شده و شباهت دارند با عکس ساختمان؛ که مثلاً آن نقطه‌ها همان پنجره‌هاست که اندازه‌ها و افقی و عمودی بودنش شاید بشود که با نقطه‌گذاری شباهتی پیدا کرد.



کلهر به صورت انفرادی در خوشنویسی تغییر ایجاد کرد و هیچ‌کدام از خوش‌نویسان معاصر کلهر یاریش نکرده‌اند. کلهر به شیوه قدماء می‌نوشته... یعنی از میرعماد تقلید کرده که کار میرزا غلام‌رضا است، کار میرحسین ترک... در صورتی که در معماری نقاشان و معماران همه گروهی تلاش کردند. ما در کتابت یک خط داریم که به اصطلاح می‌گوییم خط کرسی که کلمات نسبت به آن بالا و پایین شوند. در کار میر اگر خط بکشیم چقدر کلمات زیر خط آمده و در گذشته ما این خط را نداشتیم.

خوشنویسی	معماری
گنده نویسی (کلمات نسبت به اندازه قلم)	استفاده کاریکاتوری از امان‌های معماری گذشته
فدا کردن قواعد نستعلیق در مقابل فرم	گرایش به التقاط در فرم
خط قطاعی و خط ناخنی	

معماران از یونان باستان تا قرن بیستم از الگوهای خاص و زیبایی‌شناسی کم و بیش مشابه پیروی می‌کردند. حتی در دوره رنسانس که عطف تاریخی اتفاق افتاد به معماری یونان باستان توجه شد. در حالی که در قرن بیستم کسانی که به دنبال تغییر معماری بودند فرم‌های پیشین را فاقد وجاهت و کاربرد مجدد می‌دانستند. اگر نقاشی‌های موندریان و پل کله و... در قرون قبل از قرن بیستم به عنوان نقاشی عرضه می‌شد، قطعاً پذیرفتنی نبود و با استهزاء مواجه می‌گردید (چون هیچ‌کدام از مشخصه‌های سنتی نقاشی را نداشت). اما در قرن بیستم با تغییر معیارها و زیبایی‌شناسی جدید پذیرفتنی شد و در ردیف شاهکارهای هنر تجسمی قرار گرفت.

در مورد خط هم میرزای کلهر یک تنه همین کار را انجام داد و چنان که دیدیم بسیاری از معیارهای خوشنویسی را تغییر داده است (البته با تغییر کمتر نسبت به نقاشی مدرن). گرایشات فکری معماران مدرنیست تحت تأثیر جریانات چپ بوده و به همین جهت سعی نموده‌اند که بناها و محصولاتی به وجود آورند که در دسترس بیشتر مردم به‌خصوص کارگران قرار گیرد و کلهر نیز به‌خاطر روحیه مردمی و دوری از دربار و شاهزادگان قاجار خوشنویسی را به میان مردم برد.

شاید بتوان گفت که میرعماد همانند برونلسکی و آلبرتی سعی داشت هنرپیشینیان را بدون تغییر معیارهای زیبایی ارتقاء دهد ولی کلهر سعی در ایجاد معیارهایی جدید (هرچند محدود) در هنر خوش‌نویسی و ایجاد یک رفرم هنری داشت. در حالی که سایر خوشنویسان و هم عصران او در سایر رشته‌های هنری دیدگاه وی را نداشتند و به‌طور کلی هنر دوره قاجار واجد چنین خصوصیتی نیست.

یک توضیح کوتاهی درباره شکست نستعلیق عرض کنم: کاش در پوستر نوشته می‌شد نستعلیق به جای خوش‌نویسی، چون ما نثر داریم، ثلث داریم، شکسته داریم...، البته تجربه خود من در شکسته در حد ۲ یا ۳ سال است، به خاطر اینکه جزء برنامه درسی انجمن بود برای دوره عالی ممتاز. من شکسته کار کردم ولی در مورد شکسته چون زیاد نمی‌دانم نمی‌توانم کامل توضیح دهم. این‌طوری نیست که هر کسی دوست دارد بنویسد. افرادی هستند که در این خط صاحب شیوه هستند و صاحب سبک هستند... کار خود من روی نستعلیق بوده است در طی این سال‌ها از سال ۵۹ به بعد من یک کلمه شکسته کار نکردم جزء همان خط تحریر معمولی که می‌نویسیم به همین جهت تمرکز روی نستعلیق بود.

مهندس اردلان

مقوله خط قابل تأمل است در زمانه ما کتابی به نام اتاق آبی از سهراب سپهری است که خیلی زیبا و خیلی نجیب، عامل افول و خراب شدن خط را خودکار می‌داند. دوران دبستان یکی از خاطرات خوش من این بود که با قلم‌های آهنی، نیش و مرکب نویسی خط می‌نوشتیم و معلم که بسیار دلسوز بود. علاقه‌ای که از همان زمان در من ماند و شکل گرفت، از همان دوران دبستان است. مرحوم سپهری اشاره می‌کند از وقتی که خودکار بیک آمد دیگه خط ویران شد. ولی در حال حاضر شنیدم بعضی‌ها تعلیم با خودکار را آموزش می‌دهند. یک مثال؛ ساده بزنم در دانشگاه به بچه‌ها می‌گویم یک کاغذ سفید بردارید و یک چیزی بنویسید دو بیت شعر بدون استثناء همه از لبه کاغذ شروع می‌کنند به نوشتن و معنای صفحه را نمی‌دانند. ولی زمانه ما به‌طور کلی زیر و رو شد، الان هم تایپ کردن کلاً کالی گرافی را از بین برده است، در حالی که شاید در قبیله معمارها شایسته باشد در خود دانشکده‌ها خط تشویق شود. یک کودک دبستانی تا زمانی که وارد دانشگاه می‌شود چیزی نزدیک به ۱۸ هزار ساعت زمان می‌برد. شما فکر کنید از این زمان چند ساعت مفید بود؟ فکر می‌کنم به ۱۸ ساعت هم نمی‌رسد و جوهره ندارد. متأسفانه همه‌اش انبار کاه است. آغاز خطاطی ادب و تعدیل است، آراستن فکر... و عجیب است که در جهان ۲ فرهنگ است که برای خطاطی شأن بسیار بالایی قائل هستند. یکی ژاپن و دیگری ایران می‌باشند. یعنی خطاط آن جایگاه و حرمت را دارد. به معنی یک هنر آراسته پذیرفته شده است. یکی از کارهایی که هنرمندان بزرگ ما انجام دادند این بود که به خط پارسی شأن دادند. شما یک کلمه را می‌بینید ولی فقط یک خطاط متوجه می‌شود که هزار کیلومتری فاصله است... که افرادی معمولی نمی‌بینند و تلاش بسیار سنگین نیاز است که زمانه اجازه بدهد این فرهنگ را اشاعه دهیم. موسیقی، خط و... همه آنها به معمار کاراکتر می‌دهد و به نظر من خطاطی و معماری از هم جدا نیست.

در انتهای این نشست آقای مهندس اردلان اشعاری را برای همه شرکت‌کنندگان خوانند و موسیقی را اجرا کردند.

زیباتر از جهان امید ای دوست - در عالم وجود، جهانی نیست - هر عرصه را بهار و خزان هست - در عرصه امید، خزانی نیست -

صدبار زهر یأس مرا می‌کشت - گر پادزهر من تشدی امید - در تیرگی رنج رهم بنمود - بس شام تیره تابش این خورشید

تا آن زمان که شهر بوم مرگ - بر جایگاه من فکند سایه - در کارزار زندگی ام بادا - از جادوی امید بسی مایه

چون چشمه روان با دگران زمزمه گر باش

چون مرغ سحر وعده فردای دگر باش

گر بحر کران تا به کران نیستی ای دل

در ظلمت شب مانده و ما منتظرانیم

در ره وصل و آرزو، آری
چَم و خَم زیرو بِم چه بسیار است
چون چراغی همیشه بیدار است
گرچه عمری شکسته پا بودم
امید رام با هم بود
دل ندادم به غم زبیش و ز کم
هر چه آمد به کف به کامم بود

اختر بخت من دوباره بشکفت
تا کنم همراهان خود پیدا
چشم امید بین که در شب و روز
در بیابان زندگی صدفبار
باز ماندم ز کاروان اما
روز نو باز جا به تازه کند
با حریر سپید این خورشید

